

انتظار داشته‌ایم نرسیدیم. زیرا اگر به حوزه فردی هم نگاه کنیم، وقتی فردی بیمار می‌شود، تا وقتی که نپذیرد بیمار شده است و باید به پزشک مراجعه کند، هیچ اتفاقی نمی‌افتد و این فرد نمی‌تواند سلامت خود را بازیابد.

اما گام دوم برای رسیدن به ایران ایده آل این است که ببینیم چرا نظام حکمرانی ما کامیاب نبوده و کاستی‌های آن بیشتر از کامیابی‌های آن بوده است.

افزایش فساد که اکنون به سطح وزرا رسیده و دو وزیر دولت سیزدهم به زندان محکوم شده‌اند، که به نوبه خود امر بسیار بی‌سابقه‌ای بوده است، نشان دهنده ناکامی جدی ما در مبارزه با فساد است.

حال باید به این مسأله به صورت دیگری نگاه کرد. به این صورت که در این شرایط، پزشک‌ها چه می‌توانند بکنند و چگونه می‌توانند موفق باشند؟

آرام آرام می‌توانیم افرادی را ببینیم که از حضور در انتخابات هم ابراز تردید می‌کنند و می‌گویند که اگر قرار بود تغییری رخ ندهد، نباید در انتخابات شرکت می‌کردیم. آنان می‌گویند امثال صادق زیباکلام که ما را به حضور در انتخابات و رأی دادن دعوت کردند، در واقع ما را فریب دادند.

من اما معتقدم بزرگ‌ترین مشکل امروز پزشک‌ها این نیست که نتوانسته موفق باشد. زیرا زمان زیادی از دولت او نگذشته و به همان اندازه که عده‌ای معتقدند موفقیتی نداشته، موفقیت‌هایی هم در حوزه‌هایی داشته است که عدم ابلاغ قانون عفاف و حجاب و رفع فیلترینگ که برای اولین بار در کشور رخ داد از جمله آنها است.

بنابراین مشکل پزشک‌ها این نیست که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند، مشکل پزشک‌ها این است که تنه‌است. او امروز

چهره‌ها و شخصیت‌هایی مانند مرحوم‌های رفسنجانی را در کنار و به عنوان حامی خود ندارد. از آن گذشته، او مانند مرحوم‌های رفسنجانی این بخت را هم ندارد که هنگام آغاز به کار به عنوان رئیس‌جمهوری، طیف گسترده‌ای از تکنوکرات‌ها، روحانیون و دانشگاہیان در دولت‌شان باشند و در انجام کارها و پیشبرد امور به او کمک کنند. در ابتدای دولت‌های رفسنجانی، کارگزاران سازندگی به او یاری می‌رسانند. در ابتدای ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی طیف گسترده‌ای از شخصیت‌های سیاسی مانند سعید حجاریان، تاجیک و خانیکی و دیگران به او یاری دادند. طیف دیگری از شخصیت‌ها هم در مجلس ششم به عنوان نماینده حاضر شدند و به عنوان حامی جدی خاتمی و دولت او عمل کردند. اما مسعود پزشک‌ها هیچ کدام از اینها را ندارد. او به واقع کسی را ندارد. هیچ‌کس با مسعود پزشک‌ها نیست. حاصل این تنها بودن، چه در حوزه سیاسی، چه در حوزه بوروکراسی و چه در حوزه نمایندگی، همین می‌شود که به ناچار باید حرف‌های کلی بزنند و تکرار کنند که «ما می‌توانیم» و «آینده از آن ما است».

تراژدی مسعود پزشک‌ها تنها بودن او است و در این تنهایی آنچه دیده می‌شود، فرصت‌هایی است که دارد می‌سوزد. باوجود این تنهایی، معتقدم که علی‌رغم استیضاح وزیر اقتصاد دولت پزشک‌ها و به‌رغم اینکه مانع حضور محمدجواد ظریف در کابینه او شدند، پزشک‌ها همچنان هم می‌توانند کاری انجام دهد.

البته به این شرط که تیمی برای دولت خود بسازد، دردهای مردم را یکی یکی احصا کنند و سپس با برنامه و با جرأت سراغ رفع آن دردها بروند. 

